

بررسی مقارن مراحل تربیت فرزند در قرآن، حدیث، عهد عتیق و تلمود

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۰

از صفحه ۸۵ تا صفحه ۱۰۷

عباس مصلائی پور

دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)

amusallai@gmail.com

زینب تقدسی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث

دانشگاه مذاهب اسلامی (نویسنده‌ی

مستول)

z.taghaddosi@gmail.com

عاطفه زرسازان

استادیار دانشگاه مذاهب اسلامی

zarsazan@gmail.com

بخشعلی قنبری

دانشیار دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

bbiqarar@yahoo.com

چکیده

احادیثی در کتب روایی اسلامی موجود است که به سه مرحله‌ی هفت‌ساله برای تربیت فرزندان اشاره دارد. بر اساس آیات و روایات دیگر، دوره‌ی پیش از تولد نیز شامل اقدامات تربیتی است؛ همچنین در قرآن کریم و احادیث، توصیه‌ها و نکاتی درباره‌ی نحوه تربیت فرزندان موجود است. از طریق تلفیق و تطبیق مراحل با توصیه‌های تربیتی و توجه به جنسیت دختر و پسر که ویژگی‌های شخصیتی و وظایف را متمایز می‌کند، می‌توان به تحلیلی از مراحل تربیت فرزندان در قرآن و حدیث دست یافت. در عهد عتیق و تلمود نیز توصیه‌های تربیتی برای فرزندان وجود دارد که می‌توان برای آن‌ها سه مرحله را در نظر گرفت: پیش از تولد تا شش‌سالگی، شش تا سیزده سالگی، سیزده تا هجده سالگی و جوانی. از طریق مقایسه‌ی میان مراحل تربیت فرزندان در اسلام و یهودیت می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه نکات مربوط به مراحل تربیت فرزند در برخی موارد مشترک است، اما مراحل در اسلام، به تفصیل، کامل و با تفکیک سنی بیان شده است؛ همچنین به علت ظرفیت بالاتر بشر در دوران اسلام، نکات جدیدی در اسلام بیان شده است. روش تحقیق استفاده‌شده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای است و برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای با بررسی آیات، تفاسیر، بررسی خانواده‌ی احادیث و روایات دیگر، عهد عتیق، تلمود و سایر کتب استفاده گردیده است.

واژگان کلیدی:

مراحل تربیت، تربیت فرزندان،

تربیت اسلامی، تربیت یهود.

تربیت فرزندان از وظایف پدر و مادر است و با توجه به اینکه انسان در دوره‌های زندگی خود در حال رشد است و هر دوره ویژگی‌های خاص خود را دارد، شامل مراحل و سیری است که باید رعایت شود. مطالعه‌ی تطبیقی برنامه‌ی تربیتی اسلام با یهودیت می‌تواند گام مهمی در جهت تقریب ادیان باشد. در قرآن کریم، مراحل برای رشد انسان بیان شده است (غافر: ۶۷) که به چهار مرحله‌ی پیش از تولد، طفولیت، بلوغ و پیری اشاره دارد و احادیثی در کتب روایی شیعه و اهل سنت هست که در آن‌ها مراحل برای تربیت فرزند برشمرده شده است. باید دانست که بر اساس آیات دیگر و احادیث، چه اقدامات تربیتی در هر مرحله باید صورت گیرد. در عهد عتیق و تلمود نیز مطالبی درباره‌ی تربیت فرزندان آمده است. با تطبیق مباحث تربیتی بیان شده با سنین مختلف باید دانست که مراحل تربیت فرزند در عهد عتیق و تلمود چگونه بیان شده است و همچنین چه نکات مشترک و چه نکات اختلافی میان قرآن و حدیث و عهد عتیق و تلمود وجود دارد.

پیشینه‌ی پژوهش

کارهای علمی انجام‌شده‌ی مرتبط با مقاله‌ی حاضر شامل پژوهش‌هایی درباره‌ی مراحل تربیت فرزندان در قرآن و حدیث و پژوهش‌هایی درباره‌ی مقایسه‌ی تربیت در اسلام و یهودیت است. پژوهش‌های مراحل تربیت فرزندان در قرآن و حدیث به دو بخش تقسیم می‌شود؛ یکی شامل مطالب بیان‌کننده‌ی کارهایی است که از انتخاب همسر شایسته شروع می‌شود؛ سپس دقت‌های زمان انعقاد نطفه، بارداری، به دنیا آمدن کودک، کودکی، نوجوانی و تا جوانی او ادامه می‌یابد. در این تحقیقات، تربیت پیش از تولد و دوران نوزادی و کودکی بیشتر شامل اقدامات و پس از آن شامل آموزش‌ها و موعظه‌ها می‌گردد (برای نمونه نک: حسینی‌زاده، ۱۳۸۰؛ سراسر کتاب، مروجی طبسی، ۱۳۷۶؛ سراسر کتاب، اسلامی جمال‌آباد، ۱۳۸۸)؛ و دیگری درباره‌ی تحلیل مراحل است که در یک مقاله، تحلیل روی مسئله‌ی تفاوت دوره‌های احادیث سبع سنین است (پسندیده، ۱۳۹۵، ص ۳-۲۴) و در مقاله‌ی دیگر، به الگوی مفهومی مراحل تربیت مبتنی بر دیدگاه اسلام پرداخته شده که با استفاده از تئوری داده‌بنیاد است (اسلامی‌مهر، ۱۳۹۹، ص ۱۹۹-۲۲۰) و از حیث روش و برخی مطالب با مقاله‌ی حاضر متفاوت است.

در مقایسه‌ی تربیت میان اسلام و یهودیت، پایان‌نامه‌ی «تربیت دینی کودک در قرآن و تورات» (آقاعبدالله، ۱۳۹۴) تنها به تربیت دینی در دوران کودکی پرداخته است و مطالب مقاله‌ی «تکالیف والدین در قبال تربیت فرزند در اسلام و یهودیت» (ملکی، ۱۳۹۹، ص ۸۳-۹۹) هم با مقاله‌ی حاضر متفاوت است. در پژوهش حاضر روی این مراحل از قرآن و حدیث و عهد عتیق و تلمود در همه‌ی ابعاد، از پیش از تولد تا جوانی، تحلیل و تطبیق صورت گرفته و تفاوت برای دختر و پسر بیان شده است.

مفهوم تربیت

تعاریف گوناگونی از تربیت ارائه شده و با مرور زمان، نکاتی به آن اضافه گردیده است. از نظر شهید مطهری، تربیت عبارت است از: پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت درآوردن و پروردن (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۵۶). دلشاد تربیت را رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود، می‌داند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۲۵). در تعریف حاجی ده‌آبادی تربیت عبارت است از: «فعالیتی منظم و مستمر در جهت کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، اجتماعی و عاطفی و به‌طورکلی تربیت، پرورش و شکوفایی استعدادهای مرتبی است، به‌گونه‌ای که نتیجه‌ی آن در شخصیت مرتبی به‌ویژه در رفتارهای او ظاهر خواهد شد» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۲۰) (برای نمونه‌های بیشتر نک: حجتی، ۱۳۵۸، ص ۱۰؛ امینی، ۱۳۷۳، ص ۱۲). با بررسی و جمع‌بندی مؤلفه‌های تعاریف، به تعریفی جامع از تربیت می‌توان دست یافت که مقصود تربیت در این مقاله را تشکیل می‌دهد: تربیت فعالیتی منظم و مستمر است و شامل انتخاب رفتار و گفتار مناسب و ایجاد مقتضیات و رفع موانع با هدف پرورش استعدادهای بالقوه‌ی مرتبی در جهت کمال همه‌ی ابعاد جسمانی، شناختی، اخلاقی، اجتماعی و عاطفی است. خود مرتبی هم در این زمینه تلاش می‌کند و این فرایند به‌صورت تدریجی در وی اتفاق می‌افتد و نتیجه‌ی آن در رفتارهای وی ظاهر خواهد شد.

۱. مراحل تربیت فرزندان در قرآن و حدیث

بیان شد که تربیت فعالیتی منظم و مستمر با هدف شکوفایی استعدادها است. کمال این استعدادها در اسلام برای هدف آفرینش یعنی بندگی خداوند (ذاریات: ۵۶) تعیین می‌شود. در قرآن، حضرت عیسی^(ع) نمونه‌ای از فرزند شایسته معرفی شده است که عبارت «عَلَمًا زَكِيًّا» در آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی مریم، راجع به او آمده که به معنای پرمو، شایسته و بنده‌دار (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۴۱) و پاکیزگی از جهت خلق‌وخوی و جسم و جان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۴) است؛ همچنین نیکوکاری، پرهیزکاری و فرمان‌بردار خداوند بودن فرزندان از جمله کمالاتی است که انسان تربیت‌شده باید داشته باشد (انصاریان، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲). احادیثی در کتب روایی اسلامی موجود است که به سه مرحله‌ی هفت‌ساله برای تربیت فرزندان اشاره دارد. با مطالعات آیات و روایات دیگر، دوره‌ی پیش از تولد نیز شامل اقدامات تربیتی است؛ بنابراین، مراحل تربیت فرزند در قرآن و حدیث در مقاله‌ی حاضر در چهار مرحله بررسی می‌شود.

۱.۱. پیش از تشکیل نطفه تا تولد

موارد مؤثر در تربیت فرزند برای پدر و مادر از زمان انتخاب همسر آغاز می‌شود. این اقدامات زمینه را برای رشد فرزند در ابعاد شناختی، معنوی، اخلاقی و جسمانی فراهم و موانع را برطرف می‌سازد. انتخاب همسر شایسته هم از نظر وراثتی (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۷) و هم محیط تربیتی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۵۴) مهم است. رعایت آداب انعقاد نطفه از جمله دعا کردن (همان، ج ۶، ص ۱۰) و رعایت حالت‌ها و زمان‌های مناسب آمیزش (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۲ و ۵۵۳)، خوراک مناسب مادر (قطب راوندی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۱)، نذر فرزند برای خدمت به خداوند (آل‌عمران: ۳۵) که زمینه را

برای شکوفایی استعدادها و کسب کمالات معنوی فرزندان فراهم می‌کند و نام‌گذاری پیش از تولد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۸) که تلقینی معنوی به حساب می‌آید، بر فرزند مؤثر است.

۲.۱. هفت سال اول

هفت سال ابتدایی عمر انسان که متشکل از نوزادی و کودکی است و کم‌کم حواس فرزندان فعال می‌شود، بسیار حائز اهمیت است. این مرحله تربیتی را می‌توان با اثرگذاری بر قلب و حواس کودکان انجام داد. این مرحله در قرآن و حدیث شامل مواردی است که به آن‌ها اشاره می‌گردد.

به کفالت فرزندان در قرآن کریم (آل‌عمران: ۳۷؛ قصص: ۱۲؛ طه: ۴۰) و روایات (دعای عرفه؛ قمی، ۱۳۹۵، ص ۴۵۷ و...) اشاره شده که شامل مراقبت‌های مادی و معنوی از آنان است. این اقدامات باعث تقویت قوای جسمی می‌شود و آثار معنوی هم بر آنان دارد. گفتن اذان و اقامه پس از به دنیا آمدن با حس شنوایی کودک مرتبط است و باعث مصونیت از شیطان رجیم می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۴). در رابطه با کام برداشتن نوزاد که با حس چشایی ارتباط دارد، احادیثی آمده است که کام فرزندان را با خرما (همان، ص ۲۴)، با آب فرات و تربت قبر امام حسین^(ع) و اگر نبود، با آب باران (همان) بردارید. غسل دادن نوزاد که با حس لامسه‌ی نوزاد در ارتباط است، در حدیث سفارش شده است (همان، ج ۳، ص ۴۰). درباره‌ی شیر دادن هم حس لامسه‌ی نوزاد با مادر درگیر می‌شود و همچنین در روایات به پربرکت بودن و مفید بودن آن اشاره شده (همان، ج ۶، ص ۴۰) و در قرآن کریم هم آمده است که کودک را دو سال شیر دهند (بقره: ۲۳۳). غذای مادر پس از زایمان نیز در فرزند اثر دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۲). عطوفت، نوازش و بوسیدن سفارش شده است (همان، ص ۴۹) که بر قلب کودک اثر می‌گذارد.

در حدیث از پیامبر اکرم^(ص) «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ...» (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۷۰) به سیادت فرزند در هفت سال اول اشاره شده است. سید در عرب به معنای رئیس، گرامی‌ترین و کسی است که او را بزرگ می‌شمارند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۳۰؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۹۴). درباره‌ی فرزند می‌شود این واژه را به معنای مورداحترام دانست و البته چون در ادامه‌ی حدیث، در هفت سال دوم عبد بودن آمده است، می‌توان آن را مخالف عبد و لازم‌الاطاعه در نظر گرفت و لازمه‌ی این سیادت، احترام همراه با محبت به آنان و گوش دادن و تأمین خواسته‌هایشان است. با اهمیت به سیادت فرزندان می‌توان قلب آنان را تحت تأثیر قرار داد. سیادت داشتن کودک در روایات نمایان است که از جمله‌ی آن با الفاظ زیبا صدا کردن فرزندان، مانند عبارات حدیث کساء (قمی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۲۶) و اهمیت به نیازها و خواسته‌های آنان، مانند طولانی کردن سجده هنگامی که بچه‌ها بر پشت پیامبر اکرم^(ص) سوار می‌شدند (نسائی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۲۲۹)، است.

دو لفظ «أَمِهْلُ» و «أَحْمِلُ» برای فرزند تا شش سال در احادیث آمده است: در حدیث «أَمِهْلُ صَبِيَّكَ حَتَّى يَأْتِيَ لَهٗ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ صُمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَدِّبْهُ بِأَدَبِكَ...»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۷) از امام

۱- «فرزندت را تا شش‌سالگی مهلت ده؛ سپس او را هفت سال همراه خود ساز و با ادب خود ادبش کن. اگر پذیرفت و شایسته شد که بسیار خوب، وگرنه رهایش کن.»

صادق^(ع)، «أَمَّهْلٌ» به معنای مهلت دادن است تا اینکه پس از آن، به آموختن ادب به او پرداخته شود و حدیث، مسند و منبع آن از کتب اربعه است. در حدیث مشابه «أَحْمَلُ صَبِيَّكَ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيْه سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ أَدَّبُهُ فِي الْكِتَابِ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ صُمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَدَّبَهُ بِأَدَبِكَ...» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۲) از امام صادق^(ع) عبارت «حمل کن تا شش ساله شود» آمده است که با توجه به سیاق حدیث، معنای آن تحمل کودک تا سن مناسب برای اطاعت و ادب‌آموزی است. اگرچه حدیث دوم مسند نیست، اما می‌توان معنای آن را با توجه به احادیث دیگر توجیه کرد.

در حدیث «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ...» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۹۲) از امام صادق^(ع)، «دَعِ» به معنای «ترک کن» و «رها کن» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۳۸۳) و در ادامه، «بازی کردن» آمده است؛ پس رها کردن برای بازی در هفت سال اول برای کودکان سفارش شده است؛ همچنین در حدیث «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۷) از امام صادق^(ع) بازی کردن در هفت سال اول برای کودکان توصیه گردیده است. البته رها کردن برای بازی به این معنا نیست که پدر و مادر اجازه دهند کودک کارهای زشت، خطرناک و کارهایی را هم که باعث تضییع حقوق دیگران می‌شود، انجام دهد.^۱

در حدیث «يُرَبِّي الصَّبِيَّ سَبْعًا...» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۹۳) از امام علی^(ع) که مسند است، دو لفظ مشابه «يُرَبِّي» و «يُرْحَى» در احادیث در این سنین آمده است. واژه‌ی «يُرَبِّي» به معنای تغذیه کردن و پرورش دادن (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۳۵۰)، به رسیدگی جسمانی تعبیر می‌شود. نمونه‌هایی از رسیدگی جسمانی فرزندان در احادیث، ختنه کردن پسران (همان، ص ۳۵ و ۳۶)، نوشاندن سویق (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۸۹)، خوراندن انار (همان، ص ۵۴۶) و توجه به پاکیزگی (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۳۲) و ظاهر (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۰) آنان است. عقیقه کردن نیز از نظر معنوی بر سلامتی کودک اثرگذار است (همان، ص ۲۶)؛ همچنین حلال بودن غذا نیز در فرزند اثر معنوی دارد (همان، ج ۵، ص ۱۲۵)؛ اما حدیث دیگر «يُرْحَى الصَّبِيَّ سَبْعًا...» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۳) است که لفظ «يُرْحَى» در آن آمده است و رخاء به معنی نرمی و آرامش (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۸) و آرخی به معنی نرم کردن (بستانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۰) است؛ پس «يُرْحَى» به معنای نرمی کردن است که اگرچه حدیث مسند نیست، اما با معنای احادیث دیگر (مهلت دادن و آزاد گذاشتن برای بازی) تناسب دارد.

«وَلَدُكَ رِيحَانُكَ سَبْعًا...» در حکمت‌های منسوب به امام علی^(ع) (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۴۳) آمده و فرزند در هفت سال اول ریحانه دانسته شده است. ریحانه به معنای گیاه خوشبو و همچنین رزق گفته شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۵۸). گیاه خوشبو، نیاز به مراقبت و مواظبت شدید دارد تا رایحه و طراوت خود را حفظ کند؛ همچنین معنای رزق هم نشان می‌دهد که باید به کودک اهمیت داد و توجه داشت.

۱- مثلاً کودکی به درخت خرما کسی سنگ می‌زد و از آن می‌خورد. او را نزد پیامبر اکرم^(ص) بردند. ایشان فرمودند: به درخت سنگ نینداز و هرچه پایین آن ریخت بخور؛ سپس دست بر سرش کشیدند و دعا کردند (بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۱۰، ص ۳).

تلقین نیز از توصیه‌های تربیتی برای هفت سال اول است که در لغت به معنای تفهیم است (همان، ج ۱۳، ص ۳۹۰). تلقین‌های معنوی باعث حالات درونی مطلوب و معنوی در فرزندان می‌شود. نمونه‌ای از این تلقین‌ها نام‌گذاری نیکو (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۸ و ۲۰)، تلقین اذکار «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»، صلوات و رکوع و سجود^۱ بیدار نگه‌داشتن در شب‌های احیاء (ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸۲) و بزرگداشت ایام مانند روز جمعه (نوری، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۹۹) است که در احادیث به آن‌ها سفارش شده است.

در توصیه‌های تربیتی هفت سال اول، توجه به دختر و پسر نیز اهمیت دارد؛ مثلاً راجع به دختران باید توجه بیشتری به عواطف آنان شود و در حدیث آمده است که هدیه‌ی دختران را زودتر بدهند (ابن‌بابویه، ۱۳۷۶، ص ۵۷۷). رعایت این نکته در رشد عاطفی فرزند مؤثر است؛ همچنین تربیت جنسی شامل مواردی است که باعث می‌گردد از تحریکات جنسی نامطلوب و لغزش‌های جنسی جلوگیری شود و استعدادهاى غریزه جنسی آنان برای رسیدن به کمال مطلوب، یعنی در زمان و به نحوه مناسب شکوفا گردد و در تربیت جنسی دختر، باید زودتر برخی مسائل را رعایت کرد. بوسیدن آنان توسط نامحرم از شش‌سالگی جایز نیست (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۳۳؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۶۱) که درباره‌ی پسر هفت‌سالگی بیان شده است (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۳۷).

۳.۱. هفت سال دوم

ادراکات حسی کودک پایه‌ی ادراکات قوای دیگر او در دوره‌های بعدی می‌شود. در هفت سال دوم، قوه‌ی تفکر و تشخیص فرزندان به‌خوبی فعال است و آمادگی مناسبی برای آموزش دارند و این مرحله شامل پیش از بلوغ و اواخر آن، حدود بلوغ است و آمادگی انجام تکالیف دینی و دریافت حجت‌های الهی باید در فرزندان به وجود آید.

بعضی از اقدامات این دوره‌ها مقدمه‌ای برای توصیه‌های دوره بعدی است؛ مثلاً طبق نظر برخی نویسندگان، نتیجه‌ی تربیتی فرماندهی کودک در هفت سال آغاز زندگی و فرمان‌بری صحیح پدر و مادر از او، فرمان‌بری مطلق توأم با محبت کودک در هفت سال بعدی زندگی کودک خواهد بود (ری‌شهری، ۱۳۸۵، ص ۱۷۱)؛ همچنین با عمل پدر و مادر به مطالبی که به فرزندان آموزش می‌دهند و ایجاد الگوی خوب و محبت می‌توان قلب آنان را تسخیر کرد و مطیع ساخت و این نوعی الگوسازی عملی است. در اسلام به نقش الگوی عملی بودن مادر برای فرزند خیلی اهمیت داده شده تا آنجا که در حدیثی از پیامبر اکرم^(ص) آمده است: «بهشت زیر پای مادران است» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۸۰)؛ پس در این دوره، توصیه‌ها باید با اثرگذاری بر قوه‌ی تفکر و قلب فرزندان انجام گردد تا باعث شکوفایی ابعاد شناختی، اخلاقی و معنوی فرزندان شود. در حدیثی از پیامبر اکرم^(ص) آمده است: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبَّحَ سِنِينَ وَ عَبَدَ سَبَّحَ سِنِينَ...» (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۶،

۱- از امام صادق^(ع) نقل شده است: «چون کودک سه ساله شود، هفت بار به او بگو: بخوان «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»؛ سپس واگذارش تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز رسد، هفت بار به او بگویند: بگو «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و دیگر تا چهار سالگی او را واگذار و چون چهار سالش تمام شد، هفت بار بگویند: «صَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و...» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۸۱).

ص ۱۷۰)؛ فرزند هفت سال سرور و هفت سال بنده است... «واژه‌ی عبد به معنی مملوک (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۸) است و اینجا در رابطه با فرزند و پدر و مادر به کاررفته است؛ یعنی فرزند باید فرمان‌بردار پدر و مادر باشد. به‌طور طبیعی فرزندان در این سنین فرمان‌پذیر هستند؛ اما باید آن را تقویت کرد و برای خوبی‌ها و شکوفایی بُعد معنوی و اخلاقی و بندگی خداوند از آن استفاده کرد.

پدر و مادر در این سنین باید آموزش‌هایی به فرزندان بدهند. محتوای آموزش به فرزندان در این سنین را می‌توان در دو گونه‌ی امور مذهبی و امور مهارتی توضیح داد. امور مذهبی شامل آموزش قرآن است که در حدیث «الْعُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۷) از امام صادق^(ع)، به تعلیم کتاب به فرزندان در هفت سال دوم اشاره شده است؛ همچنین تأکید خاص بر آموزش برخی سوره (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۶۷۷)، آموزش شستن دست و صورت و نماز در هفت‌سالگی و آموزش وضو در نه‌سالگی (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۸۱)، آموزش عملی وضو به همراه آداب مستحبی آن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۷۰) و آگاه‌سازی نسبت به شبهات و احادیث تا ذهن فرزندان پر از احادیث و علوم دینی باشد و فرق انحرافی نتوانند آنان را با مطالب غلط منحرف کنند (همان، ج ۶، ص ۴۷؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۳۳۴) نیز در روایات آمده است. امور مهارتی شامل آموزش شنا و تیراندازی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۷) و نوشتن (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۰) است و در حدیث، به فرزندان آموزش نوشتن و نگهداری دانش سفارش شده است (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۳۴۰).

در احادیث، به تأدیب در هفت سال دوم توصیه گردیده است. ادب در عربی به معنای حسن اخلاق است و ادب کردن به معنای آموختن ریاضت نفس و محاسن اخلاق و تأدیب به معنای عقوبت در مقابل خلاف است (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۹). از نظر باقری، تأدیب مکلف کردن و ملازم کردن کودک با آداب اسلامی و مراد از ادب و آداب در این زیرمرحله، ادب و آداب ظاهری و رفتاری است (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۵۶). در حدیث «يُرَبِّي الصَّبِيَّ سَبْعًا وَ يُؤَدِّبُ سَبْعًا وَ يُسْتَخْدَمُ سَبْعًا...»^۱ (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۹۳) از امام علی^(ع) و همچنین در حدیث «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ أَلْزِمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ...» (همان، ص ۴۹۲) به ادب شدن فرزندان در هفت سال دوم اشاره شده است. در این دو حدیث، تأدیب میان دو مرحله‌ی رسیدگی جسمانی و کار و دو مرحله‌ی بازی و ملازمت آمده است که با توجه به معانی آن‌ها، تأدیب باید فعالیت‌ی آموزشی باشد. در حدیثی از امام سجاد^(ع) صوم تأدیبی آمده است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۸۷) و در فقه به آن روزه‌ی تمرینی کودک گفته می‌شود. در معنای لغوی تأدیب، به معنای عقوبت در مقابل خلاف هم اشاره شد؛ درنتیجه، بر اساس مطالب گفته‌شده، تأدیب به معنای آموختن، تمرین دادن و ملزم کردن آداب نیکو، یعنی زندگی بر اساس روش پسندیده است. تأدیب در آیات و روایات در این سنین را می‌توان به بخش‌هایی تقسیم کرد: تأدیب در امور مذهبی شامل امر به نماز در هفت‌سالگی و روزه در نه‌سالگی، به این صورت که چون تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب گردید، افطار کنند

۱- کودک را تا هفت سال بپرورند و هفت سال آموزش دهند و هفت سال به کار و فعالیت وادارند و تا بیست‌وسه‌سالگی قامتش بلند شود و تا سی‌وپنج‌سالگی عقل غریزی‌اش کامل گردد و از آن پس تجربه آموزد.

(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۰۹)، امر به تسبیح حضرت زهرا^(س) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۴۳) و امر به حجاب (احزاب: ۵۹) و ملازمت آنان با حب پیامبر اکرم^(ع) و اهل بیت^(ع) و قرائت قرآن است (حموی جوینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۴).

تأدیب در امور اخلاقی و اجتماعی شامل مواردی مانند مصاحبت با دوست خوب، کنترل گفتار، دوستی نکردن با حسود و ... و دلایل آن است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۷۶)؛ همچنین به توجه به آدابی مانند اینکه «نفس خود را میزان خود و دیگران قرار ده؛ پس آنچه را که برای خود دوست داری، برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی پسندی، برای دیگران مپسند» و آداب دوستی مانند اینکه «چون برادرت از تو جدا شود، تو پیوند دوستی را برقرار کن» و ... هم اشاره شده است (سید رضی، ۱۳۷۹، ص ۵۲۶).

تأدیب در زمینه‌ی امور جنسی نیز شامل ملزم کردن فرزندان به رعایت اجازه هنگام ورود به حریم پدر و مادر و جداسازی رختخواب کودکان است که در چند حدیث برای کودکان بین شش تا ده سال توصیه شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۳۶ و ۴۳۷؛ متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۱۶، ص ۴۴۱). تأدیب به آداب فردی هم اشاره دارد که به سلامت و حفظ شخصیت فرزندان منجر می شود؛ مانند سفارش به نکاتی که به گفته‌ی حدیث، انسان را از طیب بی نیاز می کند؛ مانند «تا گرسنه نشده‌ای، غذا نخور و تا اشتها داری، از غذا دست بکش و ...» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۲۹)؛ همچنین رعایت آداب سفره که دوازده مورد بیان شده است و شامل معرفت (ارزش نعمت) آنچه می خورد، نام خدا بر زبان آوردن، کوچک گرفتن لقمه و ... می شود (همان، ج ۲، ص ۴۸۶).

در حکمت منسوب به امام علی^(ع) آمده است: «وَلَدُكَ رِيحَانُكَ سَبْعًا وَ خَادِمُكَ سَبْعًا...» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۴۳)؛ ... در هفت سال دوم فرزندت خادم توست ...» وقتی فرزندان فرمان پذیری صحیح داشته باشند، نسبت به پدر و مادر نیز خادم و مهربان می شوند. درباره‌ی حضرت یحیی^(ع) نیز در قرآن کریم (مریم: ۱۳ و ۱۴) آمده است: «و [نیز] از جانب خود، مهربانی و پاکی [به او دادیم] و تقواییش بود؛ و با پدر و مادر خود نیک رفتار بود و زورگویی نافرمان نبود.» در حدیثی، دختران را آماده‌ی انجام امور پدر و مادر معرفی کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵)؛ پس بر اساس حدیث، دختران به طور طبیعی آماده‌ی خدمت رسانی به پدر و مادر هستند و درباره‌ی پسران بیشتر باید در این مورد تلاش کرد. اهمیت خدمت به پدر و مادر و تأثیر آن در رشد معنوی فرزندان بر کسی پوشیده نیست و زمینه‌ی خدمت به خداوند را فراهم می کند.

توجه به دختر و پسر در این سنین اهمیت دارد. با توجه به زودتر بودن سن تکلیف دختران، پدر و مادر در زمینه‌ی آموزش انجام واجبات و ترک محرمات و عادت فرزندان به آن‌ها، درباره‌ی دختر زودتر باید این کار را انجام دهند. در اسلام طبق ویژگی‌های شخصیتی هر جنس، وظایف آنان بیان شده است. زن از شرکت در میدان‌های سخت مبارزه معاف است و باید مایه‌ی آرامش مرد باشد (روم: ۲۱) و رسیدگی به امور عاطفی فرزندان بر عهده‌ی اوست؛ اما مردان سرپرست زنانند (نساء: ۳۴) و پسران باید برای آمادگی پذیرش این مسئولیت تربیت شوند و در قرآن کریم، حس مسئولیت حضرت موسی^(ع) درباره‌ی زنان آمده است (قصص: ۲۳ و ۲۴). صفاتی از جمله درستکاری،

فرمان‌برداری، حافظ اسرار بودن (نساء: ۳۴) برای زنان خوب در قرآن کریم مطرح شده و در حدیث، برای زن رفتار متکبرانه در برابر نامحرم، حفظ مالی که دیگری به دست آورده و ترس در مقابل شرایطی که ممکن است عفت او دچار خدشه شود، نیکو برشمرده شده (سید رضی، ۱۳۷۹، ص ۶۷۹) که باید آن‌ها را در دختران تقویت کرد. درباره‌ی دختران حضرت شعیب^(ع) به صفت حیا و عفت آنان اشاره شده است (قصص: ۲۳ و ۲۵)؛ همچنین نمونه‌ی خویشنداری برای پسر در داستان حضرت یوسف^(ع) آمده است (یوسف: ۲۳).

آموزش‌ها هم باید بر اساس روحیات و وظایف آنان باشد. ورزش تیراندازی با جنس پسر سازگاری دارد و برای مبارزه کاربردی است؛ همچنین ریسندگی حرفه‌ای متناسب با ویژگی زن و در محیطی آرام است و در حدیث، بهترین شغل زن مؤمن ریسندگی دانسته شده و گفته شده است که به پسران تیراندازی و شنا بیاموزید (ابن‌اشعث، بی‌تا، ص ۹۸).

۴.۱. هفت سال سوم و جوانی

مرحله‌ی هفت سال سوم، مرحله‌ی بلوغ و پس از آن است. در آیاتی از قرآن کریم درباره‌ی بلوغ مطالبی آمده که نشانگر رشد قدرت عقلی و تصمیم‌گیری، دریافت مسئولیت، ازدواج، بدنی و... در سن بلوغ و پس از آن است (نور: ۵۹؛ نساء: ۶؛ یوسف: ۲۲؛ قصص: ۱۴). در حدیثی، امام علی^(ع) از پیامبر اکرم^(ص) نقل می‌کنند که پس از آنکه انسان به بلوغ رسید، در قلب او نوری پدید می‌آید و پس از آن، واجب و مستحب و خوب و بد را می‌فهمد. همانا عقل در قلب مانند چراغی در میانه خانه است (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۹۸)؛ پس فرزند در این مرحله از توانایی تعقل به‌خوبی برخوردار است؛ همچنین تعقل نیز در قرآن کریم سفارش شده و جایگاه آن قلب دانسته شده است (حج: ۴۶؛ ق: ۳۷). در این دوره، پدر و مادر وقتی می‌خواهند مطالب را به فرزندان آموزش یا یادآوری و امر کنند، با توجه به قدرت تعقل خوب می‌توانند به‌صورت مفهومی به کمک روش‌های نظری استدلال و زدن مثال که ذیل تعلیم حکمت، وصیت و موعظه نمونه‌های آن می‌آید، این کار را انجام دهند و باعث شکوفایی قوای شناختی فرزندان شوند که زمینه برای پرورش قوای اخلاقی و معنوی آنان فراهم گردد. البته این کار همراه با حالت شفقت و ایجاد رقت قلب در فرزندان است؛ پس این مرحله را می‌توان با اثرگذاری روی قلب، تفکر و تعقل فرزندان انجام داد. یادگیری قرآن و احادیث در دوره‌ی پیشین زمینه را برای آموزش‌های این دوره فراهم می‌کند. آموزش‌های این دوره دقیق‌تر و مفصل‌تر است. دختران در حدود سن نه‌سالگی و پسران در حدود دوازده تا پانزده‌سالگی مکلف می‌شوند و باید واجبات را انجام دهند (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۶۷). در حدیث «الْعُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۷) از امام صادق^(ع)، آموختن حلال و حرام در این دوره آمده و شامل قوانین حلال و حرام به تفصیل در همه‌ی ابعاد زندگی از جمله احکام معاملات، ازدواج و طلاق، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و ارتباط با مردم و... است که به‌طور طبیعی در هفت سال سوم آموخته می‌شوند؛ همچنین حکمت عملی که به معنای علم به اینکه افعال بشر (افعال اختیاری او) چگونه و به چه منوال خوب است و باید باشد و چگونه و به چه منوال بد است و نباید باشد (مطهری، ۱۳۹۵، ص ۱۶۴)، نیز در این سنین

باید آموخته شود. در آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی لقمان خداوند می‌فرماید: «و به‌راستی، لقمان را حکمت دادیم که خدا را سپاس بگزار» و از آیه‌ی بعد، لقمان به فرزندش نکاتی در قالب موعظه بیان می‌کند. این مطلب نشان می‌دهد که گاهی آموختن حکمت در قالب موعظه کردن انجام می‌شود؛ همچنین در روایاتی هم حکمت در قالب وصیت بیان شده است.

«وصیت» در اصطلاح علم اخلاق، فرمان دادن به دیگری همراه با موعظه برای عمل کردن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۷۳). نمونه‌هایی از وصایای پدران به فرزندان در قرآن کریم و احادیث آمده است. وصیت حضرت ابراهیم و حضرت یعقوب^(ع) به فرزندانشان در قرآن کریم این‌چنین بیان شده که خداوند برای شما این دین (اسلام) را برگزید؛ پس البته نباید جز مسلمان بپذیرید (بقره: ۱۳۲). وصیت امام علی^(ع) به امام حسن^(ع) در نامه‌ی ۳۱ نهج‌البلغه آمده است که می‌توان مطالب آن را به دو بخش امور مذهبی و امور اخلاقی و اجتماعی تقسیم کرد و امور مذهبی را می‌توان در سه دسته‌ی خداشناسی و رابطه با خداوند، رابطه با پیامبر اکرم^(ص) و رابطه با دنیا و آخرت جای داد و سفارش به سکوت، استفاده از فرصت‌ها، توجه به خیر نه زیادت مال، توجه به عفاف زن و ریحانه بودن او و... جزو امور اخلاقی و اجتماعی است (نک: سید رضی، ۱۳۷۹، ص ۵۱۸-۵۳۸). وصیت امام علی^(ع) به امام حسین^(ع) در تحف‌العقول آمده که بخشی از گزاره‌های آن، توصیه‌های کوتاهی در اعمال نیک در حالات مختلف است، در بخشی نتیجه‌ی بد بعضی از اشتباهات و نتیجه‌ی خوب برخی کارهای درست را بیان می‌کنند و در آن از تمثیل استفاده می‌نمایند و در بخشی هم به بیان بعضی حقایق می‌پردازند (نک: ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۸۸-۹۱).

موعظه از وعظ به معنای این است که کارهای نیک طوری یادآوری شود که قلب شنونده از شنیدن آن بیان، رقت پیدا کند و در نتیجه تسلیم گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۷۶). نمونه‌هایی از موعظه به فرزندان در قرآن کریم از جمله موعظ لقمان به فرزندش در مسائل توحیدی، دعوت به اقامه‌ی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و نکات اخلاقی (لقمان: ۱۳، ۱۶-۱۹) است. موعظ انبیا^(ع) به فرزندانشان در قرآن کریم، گفتار حضرت نوح^(ع) با فرزندشان (هود: ۴۲ و ۴۳) و حضرت یعقوب^(ع) به فرزندانشان (یوسف: ۸۷) است. موعظ معصومان^(ع) به فرزندانشان هم در احادیث بیان شده که شامل بیان نکاتی که خشم و رضای خداوند در او است (الآبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۵)، شکایت از بلا را تنها پیش خداوند کردن (شعیری، بی‌تا، ص ۱۱۴) و پرهیز از تنبلی و سنگدلی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۸۵) و... است.

در حدیثی از پیامبر اکرم^(ص) آمده است: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ...» (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۷۰): فرزند هفت سال سرور و هفت سال بنده و هفت سال وزیر است. «در نتیجه‌ی فرمان‌بری و آموزش‌هایی که فرزند در هفت سال دوم دیده و توان تعقل و تشخیص خوب و بدی که کسب کرده است، در هفت سال سوم در مقام وزارت قرار می‌گیرد و پدر و مادر باید از تدبیر فرزند استفاده کنند. این کار باعث شکوفا شدن این قوه می‌شود. البته با اینکه او مورد اعتماد پدر و مادر است و اختیاراتی دارد و نظر می‌دهد، باید تابع حکم آنان باشد. نمونه‌ای از مشورت با فرزندان در قرآن کریم آمده است (صافات: ۱۰۲) که در آن، حضرت ابراهیم^(ع)

با حضرت اسماعیل^(ع) مشورت می‌کند.

ملازمت با فرزندان و انضمام آنان در احادیث ذیل از امام صادق^(ع) توصیه شده است: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَالزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۹۲)؛ «أَمَهْلُ صَبِيَّكَ حَتَّى يَأْتِيَ لَهُ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ ضَمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَدِّبْهُ بِأَدَبِكَ فَإِنْ قَبِلَ وَصَلَحَ وَإِلَّا فَخَلَّ عَنْهُ»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۷) و «أَحْمَلْ صَبِيَّكَ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيْهِ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ أَدِّبْهُ فِي الْكِتَابِ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ ضَمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَدِّبْهُ بِأَدَبِكَ فَإِنْ قَبِلَ وَصَلَحَ وَإِلَّا فَخَلَّ عَنْهُ» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۲). ملازمت از لزوم به معنای جدا نشدن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۵۴۱). در هفت سال اول رهایی و مهلت برای بازی توصیه شده بود و در هفت سال دوم تأدیب؛ اما در هفت سال سوم ملازمت سفارش شده است. همراهی پدر و مادر در این سنین، کمک و نظارت آنان بر مطالب آموخته شده (تعلیم امور مذهبی، آداب دینی و اجتماعی و...) است. انضمام هم به معنای جمع کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۱۲) و همراه شدن (بستانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۷۱) است. البته در حدیثی، در هفت سال دوم انضمام مطرح شده و در حدیثی، با عبارات شبیه به آن حدیث، انضمام در هفت سال سوم آمده است. با توجه به اینکه معنای انضمام شبیه معنای ملازمت است و در حدیثی، ملازمت در هفت سال سوم آمده و همچنین عباراتی بین هفت سال اول و انضمام که در حدیثی، انضمام در هفت سال سوم آمده است، احتمالاً حدیثی که در آن انضمام در مرحله‌ی دوم بیان شده است، جافتادگی دارد و انضمام در مرحله‌ی هفت سال سوم است.

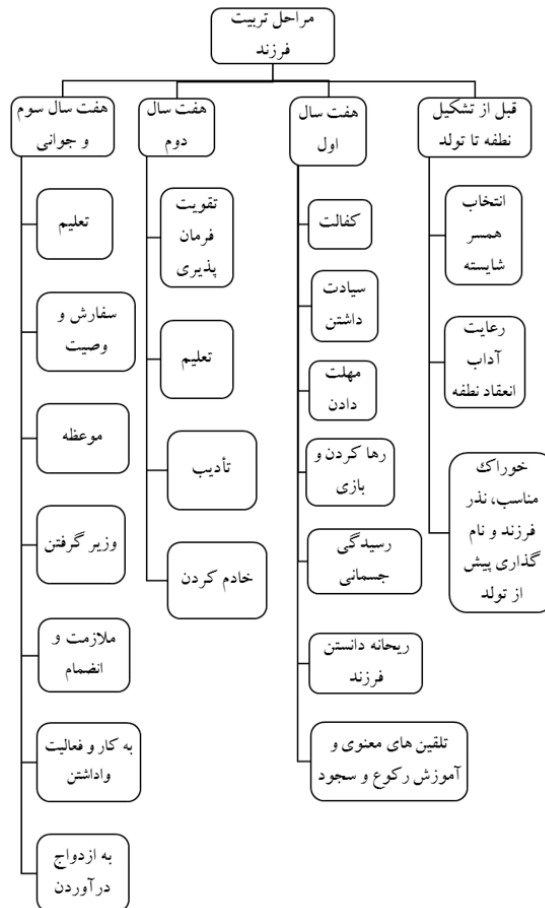
در حدیث «يُرَبِّي الصَّبِيَّ سَبْعًا وَيُؤَدِّبُ سَبْعًا وَيُسْتَحْدَمُ سَبْعًا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۹۳) از امام علی^(ع) عبارت «يُسْتَحْدَمُ سَبْعًا» آمده است که در هفت سال سوم، فرزند به کار گرفته می‌شود. فرزندان پس از سن بلوغ، توانایی آموختن حرفه و توانایی پذیرش مسئولیت را دارند و باید به کار و فعالیت واداشته شوند. این کار علاوه بر پرورش استعدادها و حرفه‌ای آنان، با ایجاد روحیه‌ی سخت‌کوشی، زمینه را برای پرورش قوای معنوی و اخلاقی نیز فراهم می‌کند. بر اساس حدیث، باید پدر فرزند را در جایگاه نیکو قرار دهد؛ یعنی به او کسبی شایسته بیاموزد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۸).

پدر و مادر باید پس از سن بلوغ، به فکر ازدواج فرزندانشان باشند. استعدادهای انسان با ازدواج کردن شکوفا می‌شود. دختر و پسر در نقش‌های جدیدی که با ازدواج می‌گیرند، می‌توانند ابعاد جدیدی از مهارت‌های اخلاقی، ارتباطی، عاطفی و... خود را تقویت کنند. در قرآن کریم (نور: ۳۲) آمده است: «بی‌همسران خود و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید...». در حدیثی از پیامبر اکرم^(ص) هم فراهم کردن زمینه‌ی ازدواج فرزند از جمله حقوق او بر گردن پدر است (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۰). در قرآن کریم آمده است که حضرت شعیب^(ع) به حضرت موسی^(ع) پیشنهاد همسری دخترشان را دادند؛ زیرا او را فردی شایسته دیدند (قصص: ۲۷) و در آیات به دو صفت قوی و امین بودن ایشان اشاره شده است (همان: ۲۶). ملاک‌هایی در احادیث آمده است مبنی بر اینکه فرزندان را به ازدواج چه کسی و با چه

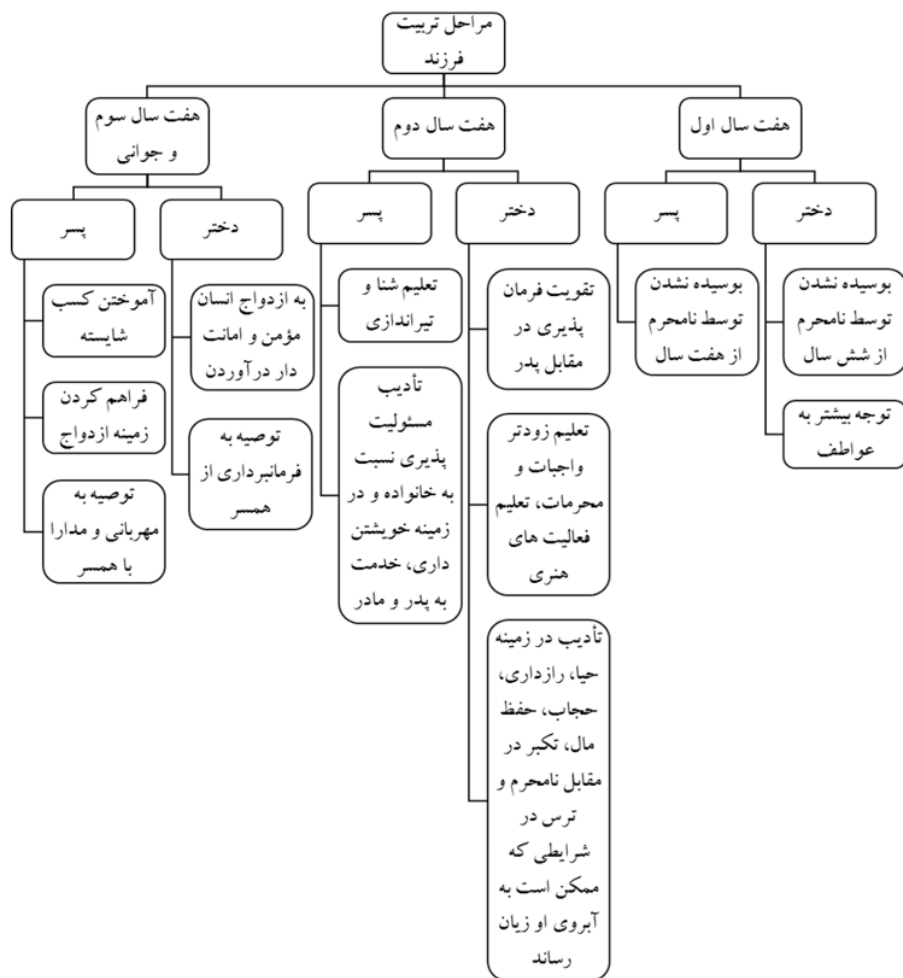
۱- «فرزندت را تا شش‌سالگی مهلت ده؛ سپس او را هفت سال همراه خود ساز و با ادب خود ادبش کن. اگر پذیرفت و شایسته شد که بسیار خوب، وگرنه رهایش کن.»

معیارهایی درآوریم؛ زیرا همسر خوب نقش مهمی در رشد معنوی انسان دارد که ازجمله‌ی آن‌ها داشتن صفاتی مانند دیانت و امانت‌داری است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۴۷).

با عنایت به اهمیت ازدواج در رشد انسان، توجه پدر و مادر به مسائل زندگی مشترک درباره‌ی جوانان و راهنمایی به آنان با توجه به ویژگی‌های جنسیتی بسیار مهم است. پیامبر اکرم (ص) کارهای داخل خانه را به حضرت زهرا (س) سپردند و کارهای بیرون خانه را بر عهده امیرالمؤمنین (ع) گذاشتند (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۵۲)؛ همچنین در ضمن صحبت‌هایی که داشتند به حضرت زهرا (س) سرپیچی نکردن از شوهر و به حضرت علی (ع) ملاطفت و محبت نسبت به همسر را توصیه کردند (خوارزمی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۵۴).



شکل شماره ۱. الگوی مراحل تربیت فرزندان در قرآن و حدیث



شکل شماره ۷. الگوی مراحل تربیت فرزندان در قرآن و حدیث با توجه به جنسیت

۲. مراحل تربیت فرزندان در عهد عتیق^۱ و تلمود^۲

در یهودیت، اگرچه به تبع هِدِ روان انسان که منشأ اصلی آن از طرف پروردگار عالم است، تصفیه‌ی جسم حیوانی است که آن را به وسیله‌ی تأدیب و کردار نیک تا درجه‌ی روحانی بالا برود و نزد خالقش بازگردد (ربی سیمونوویتس، بی‌تا، ص ۱۸)، هدف تربیت نیز تزکیه و بازگست به نزد خالق است؛ اما به تبع بزرگ‌ترین آرمان آیین یهود، هدف تعلیم و تربیت نیز حفظ حیات قومی است و باید فرزندان به‌عنوان اعضای جامعه‌ی یهود تربیت شوند (کوهن، ۱۳۸۲، ص ۱۹۱). در تلمود، انسان اهل مطالعات دینی و راست‌گو و درستکار نمونه‌ی یک فرزند تربیت‌شده است (Yoma, 86a). با بررسی اقدامات تربیتی در عهد عتیق و تلمود درباره‌ی فرزندان و با توجه به اینکه شروع آموزش رسمی از شش‌سالگی توصیه‌شده (Bababathra, 21a) و سن بلوغ برای دختر دوازده‌سالگی و پسر سیزده‌سالگی (آنترمن، ۱۳۹۱، ص ۲۱۶) و فرمان ازدواج در حدود هجده‌سالگی است (یاشار، ۱۳۶۲، ص ۲۱۱)، این سنین نقاط عطفی در مراحل تربیت فرزند به‌شمار می‌آید. از سویی، اقداماتی پیش از سن شش‌سالگی توصیه‌شده و پس از هجده سال هم فرزند بزرگ‌سال و مستقل است و مراحل مانند دوره‌های پیشین، به تفکیک نیاز ندارد؛ بنابراین، مراحل تربیت فرزندان در عهد عتیق و تلمود را می‌توان به سه دوره‌ی پیش از تولد تا شش‌سالگی، شش تا سیزده‌سالگی و سیزده تا هجده‌سالگی و جوانی تقسیم کرد. هرکدام از این مراحل شامل مواردی است. البته توجه به دختر و پسر بودن فرزند در این مراحل نیز اهمیت دارد.

۱.۲. پیش از تولد تا شش‌سالگی

تربیت در مرحله‌ی پیش از تولد شامل انتخاب همسر شایسته، وقف فرزند و رعایت آداب برقراری رابطه‌ی زناشویی است. انتخاب همسر شایسته هم تأثیر محیطی و هم وراثتی بر فرزندان دارد؛ بنابراین، به ازدواج با دختر عالم سفارش شده است که فرزندان هم عالم شوند (Pesahim, 49a)؛ و گفته‌شده که باید جویای شخصیت برادر دختر شد؛ زیرا فرزندان شبیه دایی‌شان می‌شوند (Baba bathra, 110a). وقف فرزند برای خدمت به خداوند نیز در عهد عتیق آمده (سموئیل، ۱۱:۱) که نشان‌دهنده‌ی پسندیده بودن این کار است و موجب فراهم کردن زمینه برای پرورش قوای معنوی فرزند می‌شود. رعایت آداب برقراری رابطه‌ی زناشویی نیز شامل اینکه مرد در هنگام رابطه به فکر زن دیگری نباشد (Nedarim, 20b) و مرد زن را به رابطه‌ی زناشویی مجبور نکرده باشد (Erubin, 100b)، بر هموار کردن مسیر رشد فرزندان که به وجود می‌آیند، مؤثر است؛ همچنین تغذیه‌ی مادر در دوران بارداری بر فرزند مؤثر دانسته شده است (Kethuboth, 60b& 61a).

۱- به کتب و اسفار مقدسی که پیش از مسیح نوشته شده است، عهد عتیق می‌گویند (دهخدا، ۱۲۷۳، ج ۱۰، ص ۱۴۵۱۰) و کتب عهد عتیق به باب‌ها و آیه‌ها تقسیم شده است.

۲- این اثر مفصل چندجلدی که طی چندین سده و به دست نسل‌های متعددی از عالمان و محققان دینی یهود (ربّنها و ربّیها و احبار) گردآوری و تدوین شده است، دایرةالمعارف گونه‌ای است که اطلاعات بسیار متنوع و گسترده‌ای درباره‌ی زندگانی، آداب و رسوم، اعتقادات دینی و نیز عقاید عامیانه‌ی یهود و غیر یهود دارد. تلمود از شش بخش و ۶۳ رساله‌ی اصلی در ۲۶ مجلد تشکیل شده است (هوشنگی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۱۲۷ و ۱۲۸). ترجمه‌ی تلمود به انگلیسی موجود است؛ اما ترجمه‌ی فارسی ندارد.

آداب پس از تولد شامل ختنه‌ی نوزاد پسر در روز هشتم پس از تولد است (لاویان، ۳: ۱۲، پیدایش، ۱۲: ۱۷) که نشانه‌ی پذیرفتن عهد خداوند است (پیدایش، ۱۷: ۱۰ و ۱۱) و نوعی آداب مذهبی برای رشد قوای معنوی فرزند به حساب می‌آید؛ همچنین فدیة‌ی نخست‌زاده (دادن عوض برای پسران ارشد) از دیگر آداب است (خروج، ۱۳: ۱۳). درباره‌ی حکمت این آداب آمده است: «خداوند با قدرت عظیم خود ما را از بردگی مصری‌ها نجات بخشید... برای همین، خداوند تمام پسران ارشد مصری‌ها و همچنین نخست‌زاده‌های نر حیوانات آنان را هلاک کرد تا ما را نجات دهد؛ به همین دلیل، نخست‌زاده‌ی نر حیوانات خود را برای خداوند قربانی می‌کنیم و برای پسران ارشد خود عوض می‌دهیم» (خروج، ۱۳: ۱۴ و ۱۵). در عهد عتیق به مراقبت از فرزندان و شیر دادن آنان توسط مادر اشاره شده است که تأثیر مثبت جسمی و روحی بر فرزند دارد (خروج، 2: 9-5; Yoma, 78b; Kethuboth, 59b).

تلقین و ایجاد عادت در امور مذهبی در شش سال اول، شامل این موارد است که وقتی فرزند زبان باز کرد، پدر به فرزند خود بگوید که آیه‌ی اول شمع بیسراییل (تثنیه، ۶: ۴-۹) را تکرار کند که اقرار به یکتایی خداوند است (یاشار، ۱۳۶۲، ص ۷۵) و کارهای عملی مانند تکان دادن شاخه لولوا (نخل) در عید سوکوت از این دسته است که فرزند یاد بگیرد قوانین لولوا را نیز رعایت کند (Sukkah, 42a)؛ همچنین همراه بردن فرزندان در مراسم عید خیمه‌ها هر هفت سال یک‌بار که قوانین خداوند قرائت می‌شود که آن‌ها را بشنوند (تثنیه، ۳۱: ۹-۱۳). فرزندان در این سنین باید با برخی قوانین آشنا شوند و ملزم به انجام آن گردند؛ برای مثال، پسران از سه‌سالگی باید با میصوای (فرمان) کوتاه نکردن گوشه‌های موی سر و پوشیدن طلّیت قاطان یا زیرجامه‌ی مخصوصی که حواشی آن بنا به دستور دیگری از کتاب مقدس ریشه‌دار است (اعداد، ۱۵: ۳۷) آشنا شوند و انجام دهند و عرقچینی با نام یرمولکه بر سر گذارند. برای دختران چنین قوانینی در این سنین وجود ندارد؛ اما قانون نهی از تنها ماندن با جنس مخالف برای دختران از سه سال و برای پسران از نه سال است (آنترن، ۱۳۹۱، ص ۲۱۳).

۲.۲. شش تا سیزده‌سالگی

از شش‌سالگی تعلیم رسمی و تأدیب باید آغاز شود. در این دوره قوه‌ی تفکر فرزندان به‌خوبی فعال است و چون سن بلوغ و تکلیف برای دختران دوازده و برای پسران سیزده‌سالگی است، باید برای انجام وظایف دینی از سنین پیش از آن آمادگی کسب کنند (همان، ص ۲۱۶). تعلیم شامل امور مذهبی و امور مهارتی می‌شود. امور مذهبی شامل آموزش مطالب کتاب مقدس است که دربرگیرنده‌ی آموزش قوانین (تثنیه، ۴: ۹ و ۱۰؛ تثنیه، ۶: ۹) و حکمت آن‌ها (تثنیه، ۶: ۲۰-۲۴) و نیز تلمود (Moriel, 2007, vol:6, p:170) می‌شود؛ همچنین شناساندن صفات (اشعیا، ۳۸: ۱۹) و معجزات (خروج، ۱۰: ۱ و ۲) خداوند هم از دیگر اموری است که باید انجام گردد. آموزش امور مهارتی از سوی پدر شامل مهارت‌های شغلی، کشاورزی (اول سموئیل، ۱۱: ۱۶)، صنعتگری (اول تواریخ ایام، ۴: ۲۱)، نظامی (دوم سموئیل، ۲: ۱۴) و تجارت (Abodah zarah, 15b) و شنا برای پسران (Kiddushin, 29a) و برای دختران آموزش مهارت‌های خانه‌داری و آشپزی، بافندگی، مامایی و نوحه‌گری از سوی مادر (Demsky, 2007, vol:6, p:169) است. آموزش این مهارت‌ها به فرزندان زمینه را برای امرارمعاش آنان و برآوردن نیاز زندگی و جامعه فراهم می‌کند و آموزش‌های نظامی هم برای جنگ‌ها مؤثر واقع می‌شود؛ همچنین با انجام این مهارت‌ها، روحیه‌ی سخت‌کوشی در فرزندان فعال می‌گردد.

تأدیب به معنای عقوبت در مقابل خلاف است و در عهد عتیق اشاره شده است که باید فرزند را تأدیب کرد (امثال، ۱۳:۲۳). تأدیب به معنای ملازم کردن فرزند با آداب نیکو هم در امور مذهبی شامل آداب و احکام نماز و روزه، آداب و احکام اعیاد و براخا گفتن است. امر به نماز به فرزندان و تهیه‌ی تفیلین^۱ (Tefillin) برای پسر و آموزش بستن آن (تعلیمات دینی و فرهنگ یهود دوم راهنمایی، ۱۳۶۴، ص ۳۸) و تمرین دادن احکام روز کیپور به‌ویژه روزه برای دختر از سن هشت و نه‌سالگی به‌صورت چند ساعت و دوازده‌سالگی به‌طور کامل و برای پسر از نه و ده‌سالگی به‌صورت چند ساعت و سیزده‌سالگی به‌طور کامل (Yoma, 82a)، باید از سوی پدر و مادر انجام شود؛ همچنین در تعلیم و تربیت یهود، روش مشاهده و ایجاد سؤال درباره‌ی مسائل و موضوع‌های مربوط به دین اجرا می‌گردد (ایروانی، ۱۳۸۳، ص ۶۴). بزرگداشت و اجرای احکام و آداب اعیاد در خانواده به‌منزله‌ی تأدیب آن‌ها است و باعث ایجاد سؤال در ذهن فرزندان می‌شود و پدر و مادر باید حکمت آن‌ها را توضیح دهند. اعیاد آنان که فرزندان هم در آن‌ها شرکت دارند و شامل عید فصح (تثنیه، ۱۶:۱-۴؛ خروج، ۱۲:۲۶ و ۲۷)، عید هفته‌ها (تثنیه، ۹:۱۶)، عید سایبان‌ها (لاویان، ۲۳:۴۳-۴۱) و روز شنبه (خروج، ۹:۲۰ و ۱۰) است. بزرگداشت این اعیاد، انتقال ارزش‌ها به نسل دیگر و نوعی تأدیب در زمینه‌ی یادآوری نعمت به فرزندان است. ازجمله آداب دیگر گفتن براخا پیش و پس از غذا به‌عنوان شکرگزاری است (تثنیه، ۸:۱۰) و با توجه به مواد غذایی نوع آن‌ها متفاوت است (تعلیمات دینی و فرهنگ یهود سوم راهنمایی، ۱۳۶۴، ص ۸۳-۸۷) و پدر و مادر باید آن‌ها را انجام دهند و فرزندان را با آن‌ها ملازم کنند. تأدیب در امور شخصی نیز شامل سفارش درباره‌ی سحرخیزی و خوردن صبحانه (Baba kamma, 92b) و نکاتی درباره‌ی غذا خوردن (Nedarim, 49b) است. البته تأدیب در تلمود وظیفه‌ی پدر دانسته شده (Makkoth, 8b) و نقش پدر در تأدیب فرزند پررنگ‌تر است.

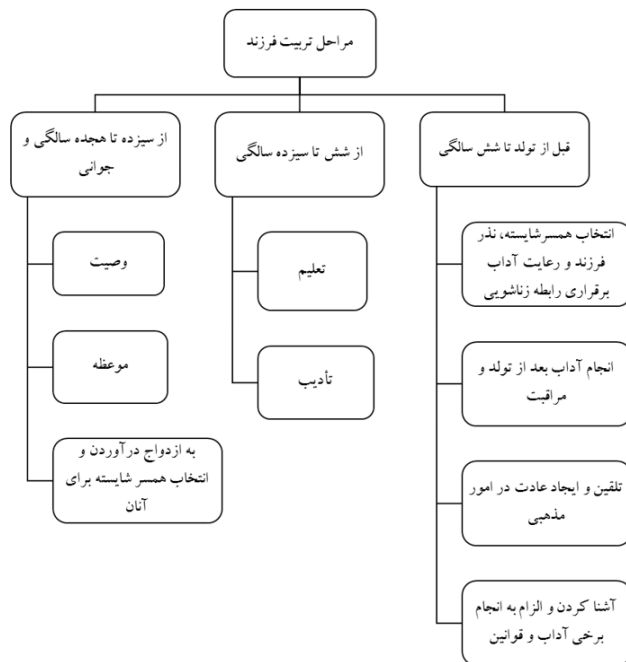
درباره‌ی فرزند پسر، پس از بلوغ شرکت در فعالیت‌های اجتماعی مذهبی هم مهم است؛ اما چنین چیزی برای دختران وجود ندارد (نک: آتومن، ۱۳۹۱، ص ۲۱۸ و ۲۱۹). دختران از بعضی احکام معاف هستند (Kiddushin, 29a)؛ همچنین درباره‌ی آموزش کتاب مقدس به فرزند دختر، برخی آن را صحیح و برخی ناصحیح دانسته‌اند (Sotah, 20a).

۳.۲. سیزده تا هجده‌سالگی و جوانی

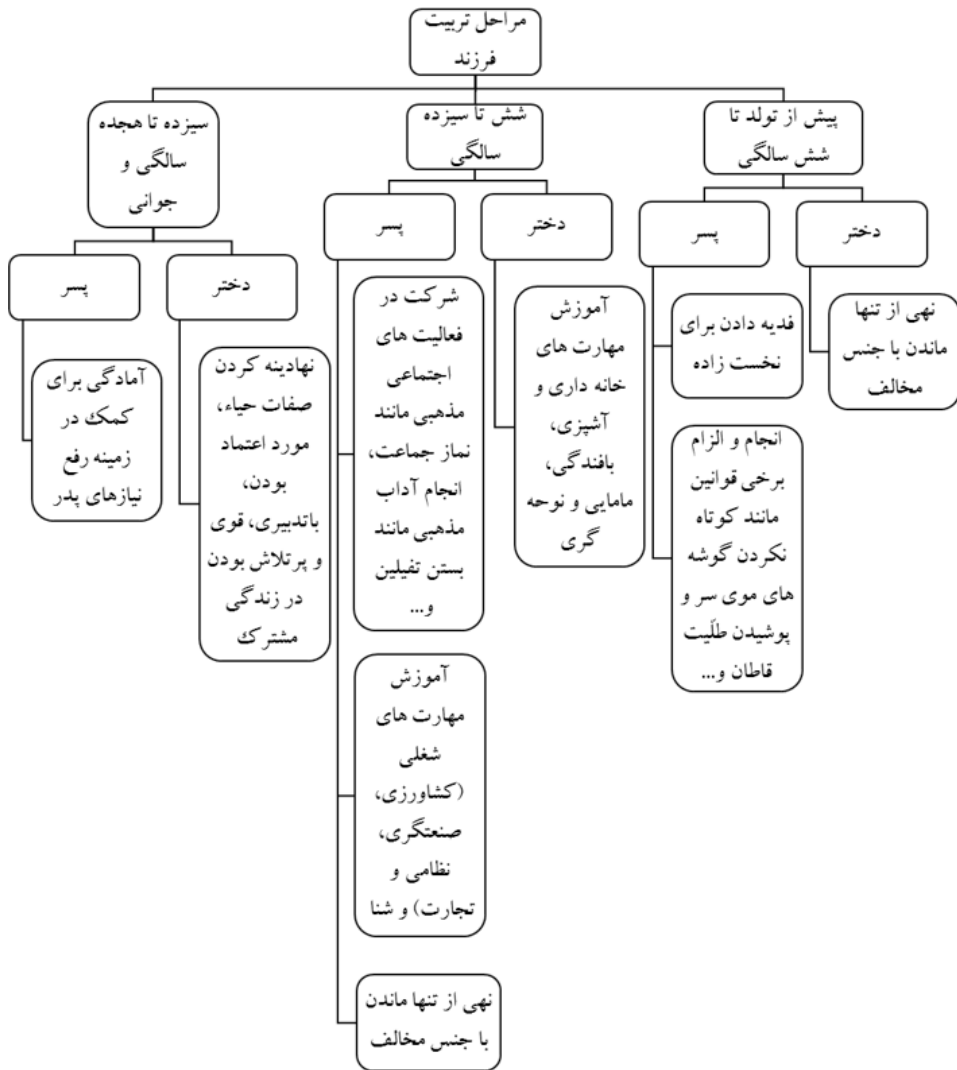
از سیزده تا هجده‌سالگی پدر و مادر می‌توانند مفاهیم دقیق‌تری را در قالب وصیت و موعظه به فرزندان بیاموزند و با تقویت قوای شناختی آنان و دلسوزی و خیرخواهی که در گفتارشان نسبت به فرزند نمایان است، زمینه را برای عمل فرزندان به آن مطالب و تزکیه‌ی معنوی آنان فراهم سازند. در عهد عتیق در وصیت به فرزند، توصیه به پیروی از فرمان‌های خداوند (اول پادشاهان، ۲:۱-۴)، خداشناسی، عبادت و خدمت به خداوند (اول تواریخ، ۹:۲۸ و ۱۰) بیان می‌شود؛ همچنین موعظه به‌راستی و درستی، ظلم نکردن، رعایت انصاف، معاشرت با اشخاص دانا و بااخلاق بیان شده است. نکات در قالب امر و بیان عاقبت اعمال مختلف بیان می‌گردد

۱- تفیلین دو قطعه است که هرکدام از آن‌ها تشکیل شده است از یک جعبه‌ی کوچک چرمی با تسمه‌های چرمی بلند. در داخل هر یک از جعبه‌های کوچک قطعه‌ای از پوست حیوانات حلال گوشت جا دارد که روی آن‌ها آیه‌های توحید به خط عبری نوشته شده است. در نماز صبح، یکی از این قطعات را روی پیشانی و مابین دو چشم در مرز رستنگاه موهای سر قرار می‌دهند و قطعه‌ی دوم را نیز روی ماهیچه‌ی بازوی چپ و مقابل قلب می‌بندند. تسمه‌ی چرمی تفیلین سر به‌صورت آویخته باقی می‌ماند؛ اما تسمه‌های تفیلین دست، دور بازو و ساعد و کف دست و انگشتان دست چپ پیچیده می‌شود و تا پایان نماز روی سر و بازو باقی می‌ماند (تعلیمات دینی و فرهنگ یهود دوم راهنمایی، ۱۳۶۴، ص ۳۷).

(امثال، ۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴). بر اساس نظر حکیمان تلمودی، فرزندان در سیزده سالگی باید به میتسوات (۶۱۳ فرمان تورات) عمل کنند و در پانزده سالگی باید تلمود را بخوانند. در این سنین، پدر دیگر ملزم به آموزش تورات نیست و فرزندان باید مانند بزرگسالان زیر نظر معلم به فراگیری آن بپردازند (Moriel, 2007, vol:6, p:170). فرمان ازدواج به طور کلی در عهد عتیق بیان شده است و برای فرزند پسر، در ۱۸ سالگی این فرمان صادر می‌شود (یاشار، ۱۳۶۲، ص ۲۱۱). ازدواج کردن و فرزنددار شدن باعث شکوفایی بسیاری از استعدادها و موجب جلوگیری از گناهان جنسی و نیز موجب تداوم نسل یهود است. فراهم کردن زمینه‌ی ازدواج فرزندان در سن مناسب (ارمیا، ۴:۲۹؛ Kiddushin, 29a) و انتخاب همسر شایسته برای آنان بیان شده است که شامل داشتن ویژگی ایمان به خدای یکتا و معرفت به فرمان‌های الهی است (خروج، ۳۴:۱۵ و ۱۶؛ Pesahim, 49b). در عهد عتیق خصوصیات از جمله حیا (امثال، ۱۲:۴)، موردا اعتماد و کمک حال همسر بودن، باتدبیر، قوی و پرتلاش بودن، کمک به فقرا، باوقار بودن، نترسیدن از آینده و پُر از حکمت بودن سخنان، محبت‌آمیز بودن نصایح، تبلی نکردن و رسیدگی به احتیاجات خانواده (امثال، ۱۱-۲۷) برای زن خوب آمده است که باید آن‌ها را در دختران نهادینه کرد. درباره‌ی فرزند پسر هم آمده که فرزند پسر باید برای پدر غذا، آشامیدنی و پوشاک تهیه کند و در راه رفت و برگشت از خانه به او کمک نماید (Kiddushin, 31b)؛ پس باید او را برای این مسئولیت آماده کرد.



شکل شماره ۳. الگوی مراحل تربیت فرزند در عهد عتیق و تلمود



شکل شماره ۴. الگوی مراحل تربیت فرزند در عهد عتیق و تلمود با توجه به جنسیت

۳. مقایسه‌ی مراحل تربیت فرزندان در قرآن و حدیث با عهد عتیق و تلمود

چنان‌که اشاره شد، در یهودیت علاوه بر هدف تزکیه‌ی جسم حیوانی برای بازگشت نزد خالق، هدف قومی در امر تربیت وجود دارد و باید فرزندان به‌عنوان اعضای جامعه‌ی یهود تربیت شوند؛ اما در اسلام چنین چیزی وجود ندارد؛ همچنین معیارهای یک فرزند تربیت‌شده در اسلام بیشتر و کامل‌تر است.

چنان‌که اشاره شد، نقش پدر در یهودیت بیشتر مطرح‌شده و جنبه‌ی تعلیم به فرزندان پراهمیت است؛ اما در اسلام تفکیک به آن صورت نبود و به نقش الگوی عملی بودن مادر برای فرزند بسیار اهمیت داده‌شده و تأثیر خرد مادر بر فرزند و خوراک مادر پس از تولد هم در احادیث آمده است که به آن‌ها اشاره شد.

در مقایسه‌ی میان اسلام و یهودیت در مرحله‌ی پیش از تولد و هفت سال اول، برخی آداب مانند ختنه مشترک است و برخی آداب هم مانند اذان گفتن در گوش نوزاد مختص اسلام و فدیة نخست‌زاده مختص یهودیت است. تلقین شهادت به یکتایی خداوند در حدود سه‌سالگی در هر دو اشاره‌شده است. اهمیت برخورد با فرزند و رفتار با آنان ازجمله سیادت داشتن و مهلت دادن برای بازی، ریحانه دانستن و محبت در اسلام به‌طور دقیق اشاره‌شده؛ اما در یهودیت به این صورت نیست. تفاوت میان دختر و پسر در اسلام، از نظر اهمیت بیشتر به عواطف دختر و اندکی زودتر بودن تربیت جنسی دختر است؛ اما در یهودیت، محدودیت‌های جنسی دختر بسیار زودتر و آداب و قوانین بیشتری در زمینه‌های مذهبی برای پسر اجرا می‌شود.

در مرحله‌ی هفت تا چهارده‌سالگی آموزش و تأدیب مشترک است. هر دو دین در بعضی از موارد تأدیب مانند تهرین نماز و روزه اشتراک دارند؛ اما در برخی موارد مانند امر به تسبیح حضرت زهرا^(س) و ملازمت آنان با حب پیامبر و اهل‌بیت^(ع) و قرائت قرآن در اسلام و مواردی مانند تهیه‌ی تفیلین برای پسر و آموزش بستن آن و تأدیب آداب و احکام اعیاد یهود با روش مشاهده و ایجاد سؤال در یهودیت اختلاف دارند. به چند مورد تأدیب در امور جنسی و امور شخصی نیز در اسلام اشاره گردید؛ اما در یهودیت، تأدیب فرزندان در امور جنسی و شخصی مختصرتر است. چنان‌که اشاره شد، بردن و شرکت در برخی فعالیت‌های اجتماعی مذهبی مانند نماز جماعت و انجام برخی آداب مذهبی مانند بستن تفیلین و... پس از سن بلوغ در یهود، مختص پسران است و آموزش پسران به‌طورکلی اهمیت بیشتری دارد.

در هفت سال سوم، تعلیم حلال و حرام به‌تفصیل در حدیث و آموزش تلمود در تلمود در این سنین سفارش شده است. به تعلیم حکمت، موعظه و وصیت به فرزندان در امور مذهبی، اخلاقی و اجتماعی هم در اسلام و هم یهودیت اشاره گردید؛ اما در اسلام با جزئیات و کامل‌تر بیان شده است. ملازمت، انضمام و وزیر گرفتن فرزندان هم بیان گردید که اقداماتی عملی در اسلام هستند. جنبه‌ی رفتاری در کنار گفتار در اسلام مورد تأکید است؛ اما در عهد عتیق و تلمود اشاره به چنین مطالبی یافت نشد.

نتیجه‌گیری

تربیت فرزند سیری دارد که باید با توجه به ویژگی‌ها و مراحل رشد فرزندان رعایت شود. اشتراکات مراحل تربیت در قرآن و حدیث و عهد عتیق و تلمود در مرحله پیش از تولد تا هفت سال اول، ازجمله آدابی مانند ختنه و تلقین شهادت به یکتایی خداوند است و افتراقات شامل اهمیت برخورد با فرزند و رفتار با آنان ازجمله سیادت داشتن و مهلت دادن برای بازی و ریحانه دانستن

در اسلام است. در مرحله‌ی هفت سال دوم، اشتراکات شامل تعلیم کتاب آسمانی و تأدیب نماز و روزه است. برخی موارد تأدیب مختص اسلام، امر به تسبیح حضرت زهرا^(س) و ملازمت آنان با حب پیامبر و اهل بیت^(ع) و قرائت قرآن است و برخی موارد مانند تهیه‌ی تفیلین برای پسر و آموزش بستن آن و تأدیب آداب و احکام اعیاد با روش مشاهده و ایجاد سؤال مختص یهودیت است. در هفت سال سوم تعلیم احکام، حکمت، موعظه و وصیت مشترک است؛ اما ملازمت، انضمام و وزیر گرفتن فرزندان در اسلام آمده است که اقداماتی عملی در کنار گفتار هستند.

در مراحل تربیت فرزندان توجه به ویژگی‌های شخصیتی و وظایف دختر و پسر اهمیت دارد. در اسلام و یهودیت، بعضی قوانین و نوع رفتار درباره‌ی دختر و پسر متفاوت است. برخی توصیه‌های مهم تربیتی در اسلام دقیق به تفکیک مراحل سنی بیان شده؛ اما در یهودیت بیشتر به‌طور کلی آمده است؛ همچنین نکات هر مرحله در اسلام با ارائه‌ی جزئیات و کامل‌تر و پیشرفته‌تر نسبت به یهودیت بیان گردیده است؛ زیرا ظرفیت بشر به‌مرور زمان تکامل یافته و محتوای دین در هر زمان، متناسب با ظرفیت او گفته شده است.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی محمد مهدی فولادوند؛ تهران: پیام عدالت، ۱۳۹۸ ش.
- آبی، منصور بن حسین؛ نژالدر فی المحاضرات؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- آقاعبدالله، نسیرین؛ «تربیت دینی کودک در قرآن و تورات»؛ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، اساتید راهنما: دکتر بی‌بی‌سادات رضی بهابادی و دکتر لیلا هوشنگی، دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۴ ش.
- آتومن، آلن؛ باورها و آیین‌های یهودی؛ ترجمه‌ی رضا فرزین؛ قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۳ ش.
- ابن‌أبی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله؛ شرح نهج البلاغة لابن‌أبي‌الحديد؛ قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن‌ادریس حلی، محمد بن احمد؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۱۰ ق.
- ابن‌اشعث، محمد بن محمد؛ الجعفریات؛ تهران: مکتبه النینوی الحدیثه، بی‌تا.
- ابن‌بابویه (صدوق)، محمد بن علی؛ الامالی؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
- _____؛ الخصال؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
- _____؛ علل الشرایع؛ قم: کتاب‌فروشی داوری، ۱۳۸۵ ش.
- _____؛ من لایحضره الفقیه؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
- ابن‌حیون، نعمان بن محمد؛ دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام عن اهل‌بیت رسول‌الله علیه و علیهم افضل السلام؛ قم: آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۳۸۵ ق.
- ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی؛ مناقب آل ابی‌طالب علیهم‌السلام؛ قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- ابن‌قولویه، جعفر بن محمد؛ کامل‌الزیارات؛ نجف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ ش.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم؛ لسان‌العرب؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- اسلامی جمال‌آباد، الهام؛ «وظایف والدین در قبال فرزندان از دیدگاه قرآن و حدیث»؛ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر غلامحسین تاجری‌نسب، دانشکده‌ی اصول‌الدین تهران، ۱۳۸۸ ش.
- اسلامی‌مهر، یعقوب؛ «طراحی مدل مفهومی "مراحل تربیت مبتنی بر دیدگاه اسلام" و دلالت‌های تربیتی آن (استراتژی‌تئوری داده‌بنیاد متنی)»؛ پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره‌ی ۴۶، ۱۳۹۹ ش.
- امینی، ابراهیم؛ اسلام و تعلیم و تربیت؛ تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳ ش.
- ایروانی، شهین؛ تعلیم و تربیت در آیین یهود؛ تهران: دریا، ۱۳۸۳ ش.
- باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی؛ تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، ۱۳۸۵ ش.
- بستانی، فؤاد افرام؛ فرهنگ ابجدی؛ تهران: اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- برقی، احمد بن محمد خالد؛ المحاسن؛ قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
- بیهقی، احمد بن حسین؛ السنن الکبری؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
- پسندیده، عباس؛ «روایات «سبع سنین» در فرزندپروری، گونه‌ها و تحلیل درونی آن‌ها»؛ نشریه علوم

حدیث، شماره ۸۱، صص ۳-۲۴، ۱۳۹۵ ش.

- تعلیمات دینی و فرهنگ یهود دوره راهنمایی؛ بی جا، انجمن فرهنگی اوتصهرتورا گنج دانش، ۱۳۶۴ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی؛ درآمدی بر نظام تربیتی اسلام؛ قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن؛ هدایه الامه الی احکام الائمه علیهم السلام؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ ق.
- حسینی زاده، سید علی؛ سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ ش.
- حموی جوینی، ابراهیم بن محمد؛ فرائد السمطین؛ بیروت، مؤسسه المحمودی، بی تا.
- حمیری، عبدالله بن جعفر؛ قرب الاسناد؛ قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
- خاتمی، سید جواد؛ «پیامدهای اخلاقی تربیتی حدیث الولد سید سبع سنین»؛ پژوهش های اخلاقی، شماره ۱۳، ۱۳۹۲ ش.
- خوارزمی، موفق بن احمد؛ المناقب؛ بی جا: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.
- دلشاد تهرانی، مصطفی؛ سیری در تربیت اسلامی؛ تهران: ذکر، ۱۳۷۶ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ قرآن؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
- ربی سیمونوویتس؛ قوانین طهارت خانوادگی (خلاصه قوانین نیدا)؛ ترجمه ای انجمن طهارت خانوادگی، بروکلین نیویورک، بی تا.
- ری شهری، محمد؛ حکمت نامه کودک؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵ ش.
- سید رضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه؛ ترجمه ای دشتی؛ چاپ پنجم، قم: مشرقین، ۱۳۷۹ ش.
- شهید ثانی، زین الدین؛ منیه المرید؛ قم: مکتبه الإعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد؛ معجم الاوسط؛ قاهره: دارالحرمین، ۱۴۱۵ ق.
- طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الاخلاق؛ قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، محمد بن حسن؛ تهذیب الاحکام؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی؛ تهران: المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
- فیومی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر؛ قم: دارالهجره، ۱۴۱۴ ق.
- قطب راوندی، سعید بن هبه الله؛ الدعوات؛ قم: مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ ۱۴۰۷ ق.
- قمی، شیخ عباس؛ مفاتیح الجنان؛ قم: آیین دانش، ۱۳۹۵ ش.
- قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیرالقمی؛ قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- کوهن، ابراهام؛ گنجینه ای از تلمود؛ ترجمه ای امیرفریدون گرکانی؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۲ ش.
- متقی هندی، علی بن حسام؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال؛ بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ ق.
- مروجی طبسی، محمد جواد؛ حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶ ش.

- مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ تهران: صدرا، ۱۳۹۰ ش.
- _____؛ کلیات علوم اسلامی (۲): کلام- عرفان- حکمت عملی؛ قم: صدرا، ۱۳۹۵ ش.
- موحدی پارسا، فاطمه؛ «تربیت اخلاقی کودکان در دوره سیادت از منظر اندیشمندان نشریه‌ی تربیت اسلامی»؛ تربیت اسلامی، شماره‌ی ۲۸، ۱۳۹۸ ش.
- نسائی، احمد بن شعیب؛ السنن الصغری؛ حلب: مکتب المطبوعات الاسلامیه، ۱۴۰۶ ق.
- نوری، حسین بن محمد تقی؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ ق.
- هوشنگی، لیلا؛ «تلمود»؛ دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
- یاشار، هارا و باروخ؛ روش زندگی (قوانین و رسوم ملت یهود)؛ تهران: بنی‌توراه، ۱۳۶۴ ش.
- Demsky, Aaron, 2007, «Education, Jewish in the biblical period», Encyclopedia Judaica, New York: Thomson GALE.
- Israel w. Slotki, translated by, 1990, Hebrew-English Edition of The Babylonian Talmud, editorship: I. Epstein, London: The Soncino Press.
- Moriel, Yehuda, 2007, «Education, Jewish in the Talmud», Encyclopedia Judaica, New York: Thomson GALE.

• سایت‌ها:

مجموعه کتب عهد عتیق، سایت کتاب‌خانه‌ی تاریخ ما. (www.pdf.tarikhema.ir)

